

خارج الفقہ

۲۹-۱۱-۱۴۰۳ فقه اکبر ۳

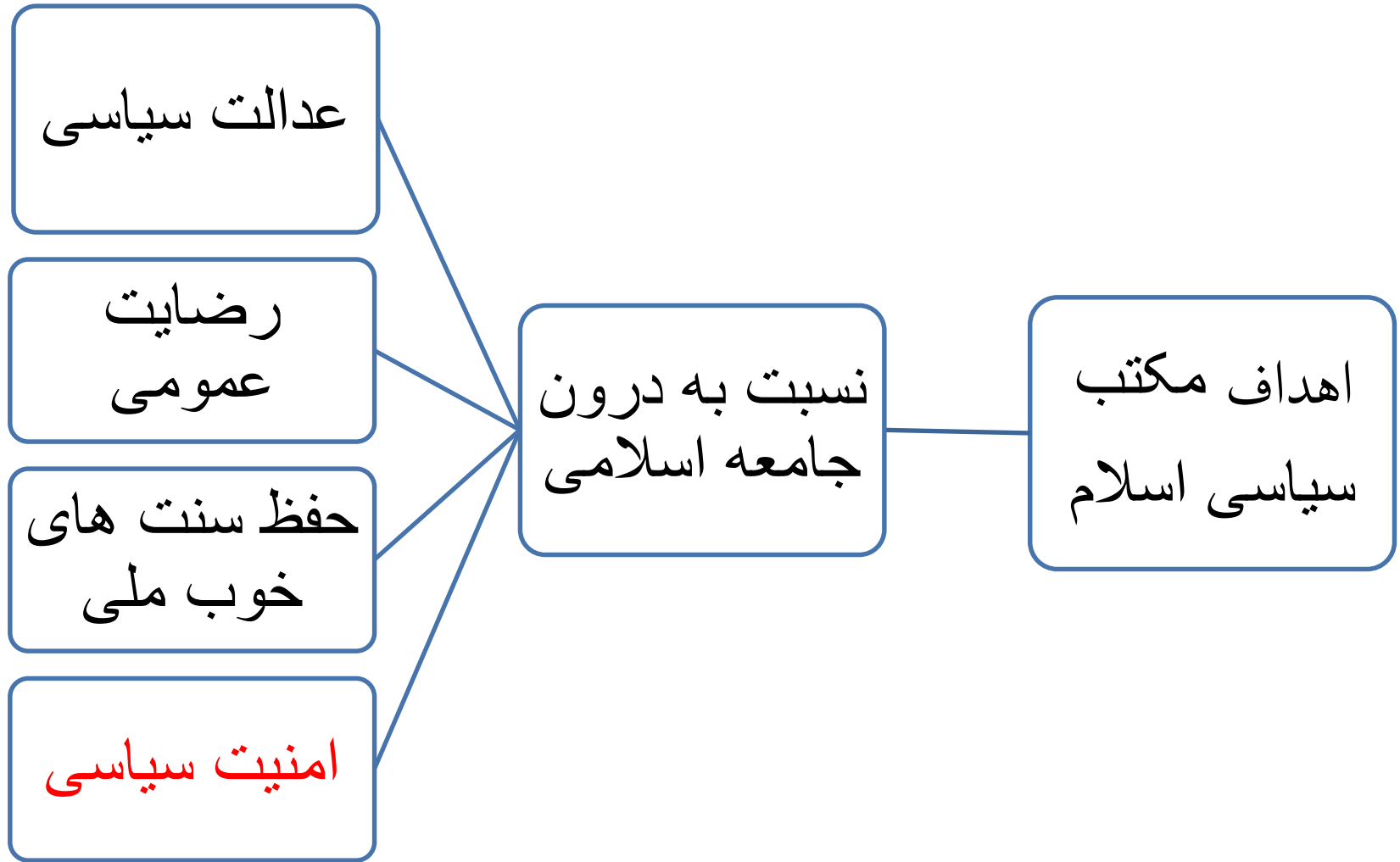
۶۱

(مکتب و نظام سیاسی اسلام)

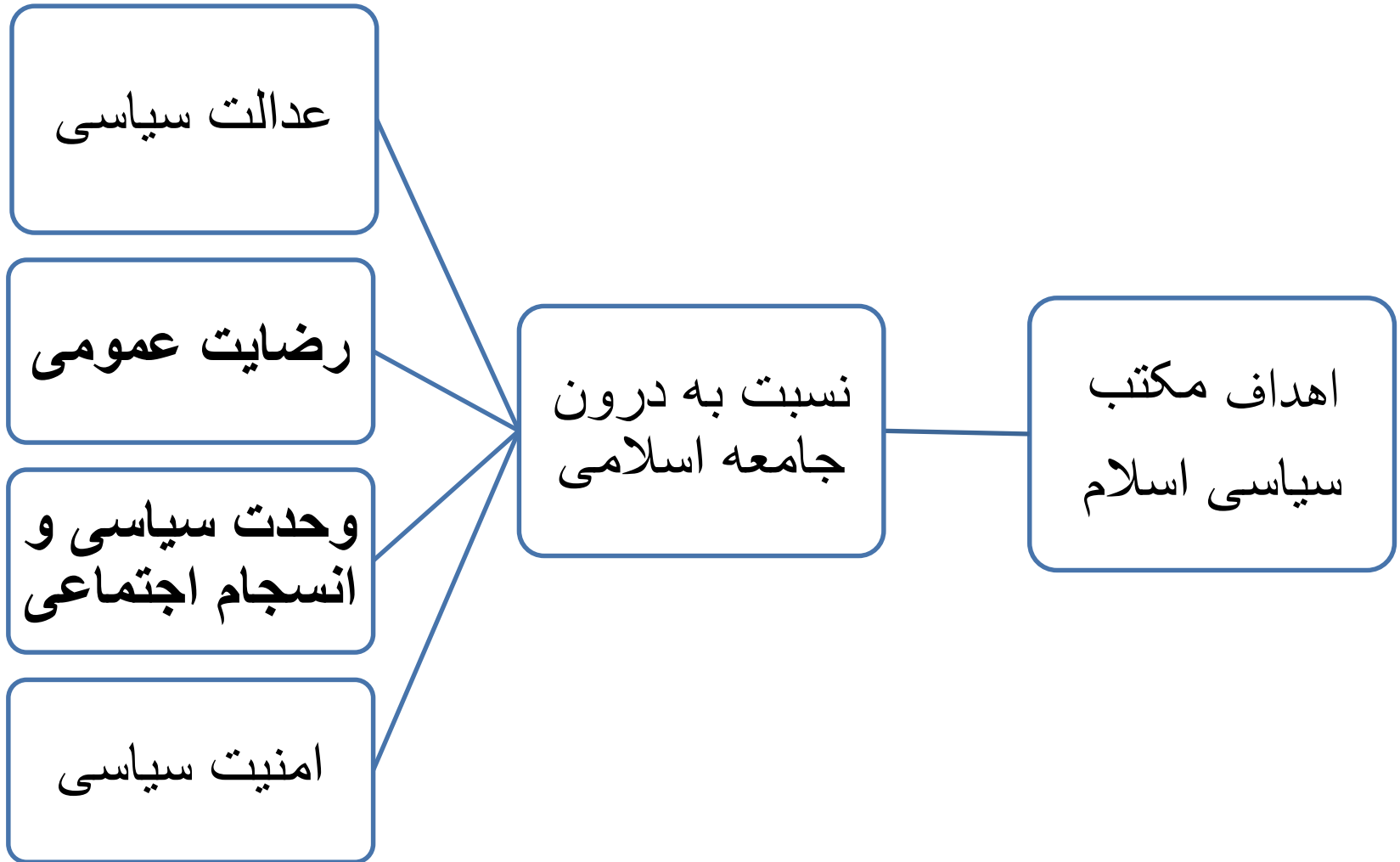
دراسات الاستاذ:

مهدي الهادي الطهراني

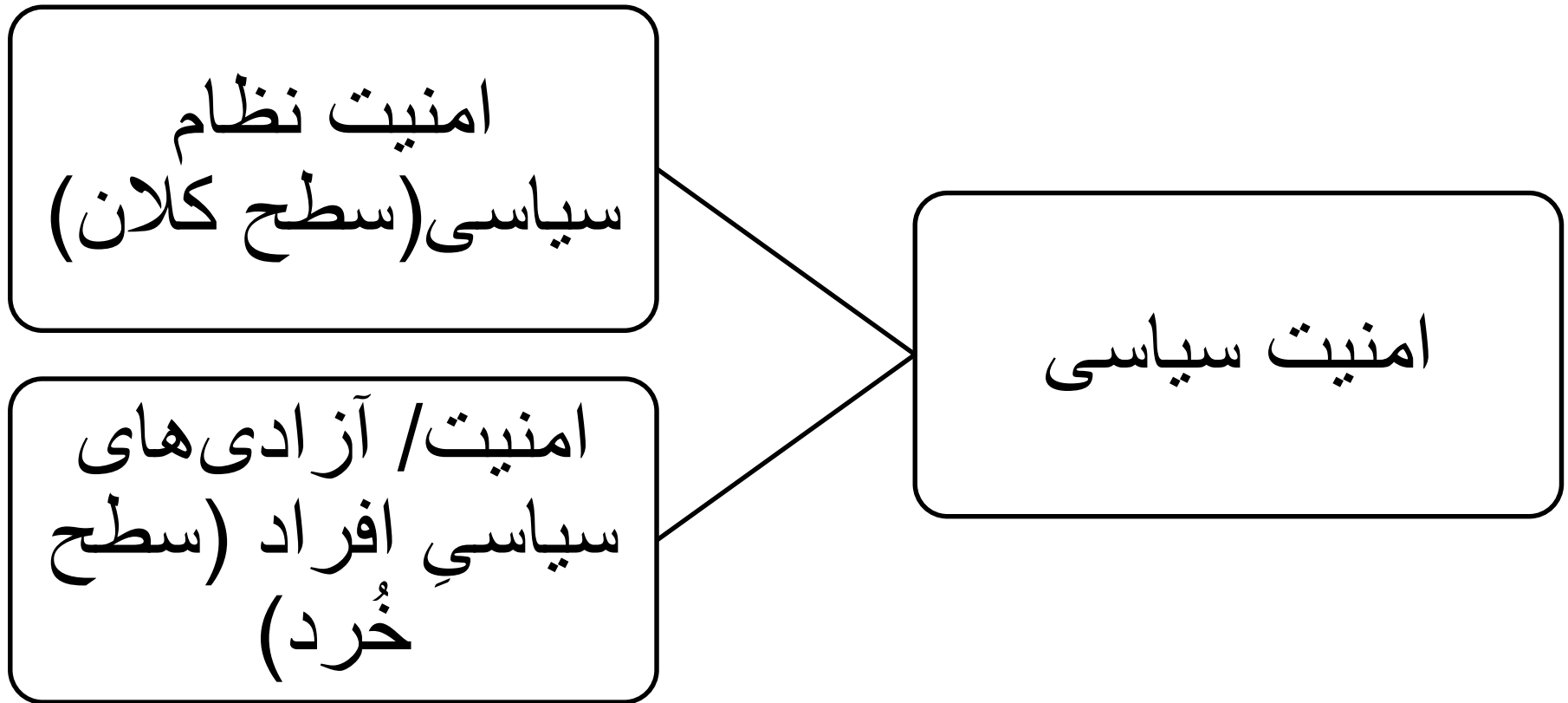
اهداف مكتب سياسى اسلام



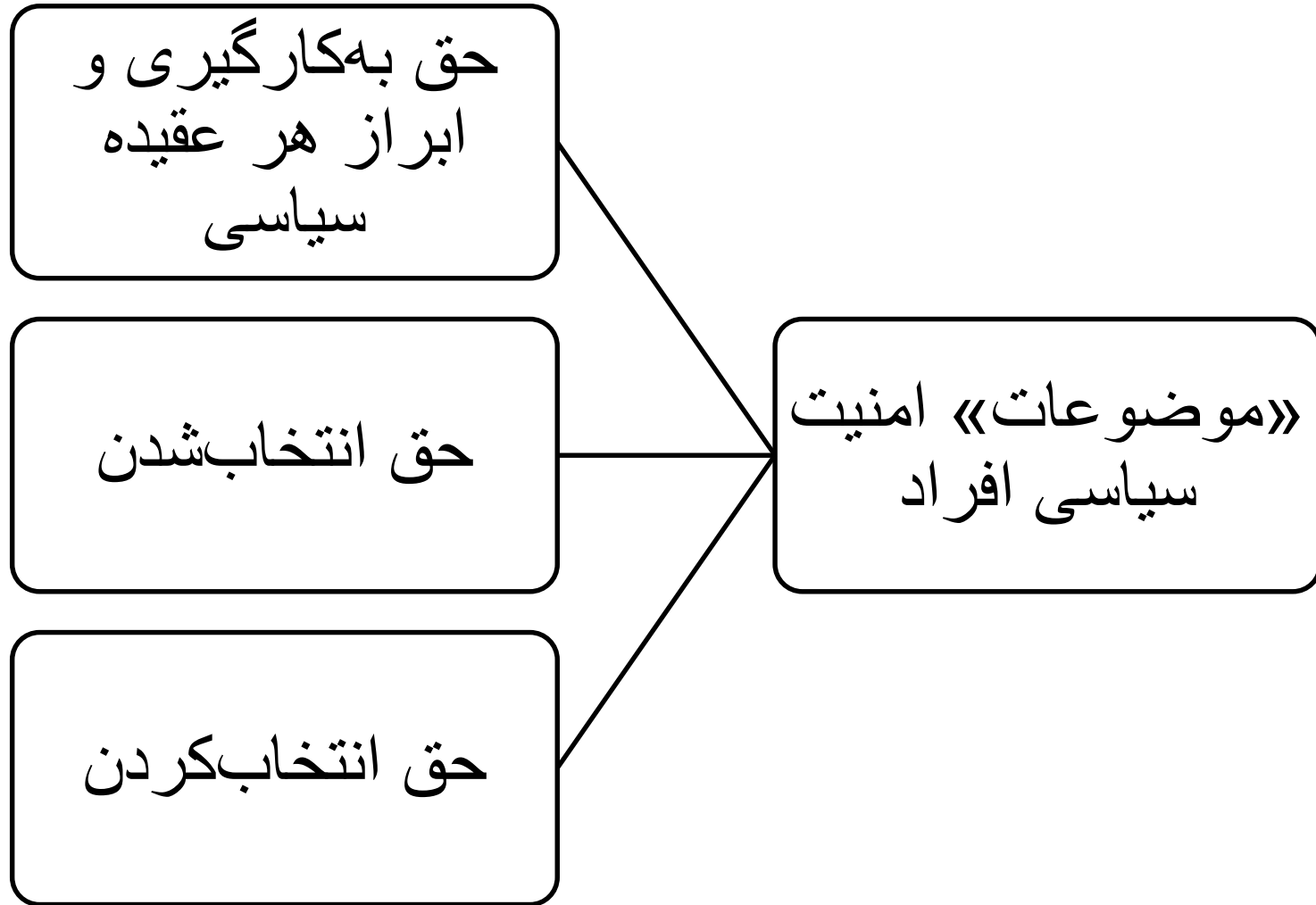
اهداف مكتب سياسى اسلام



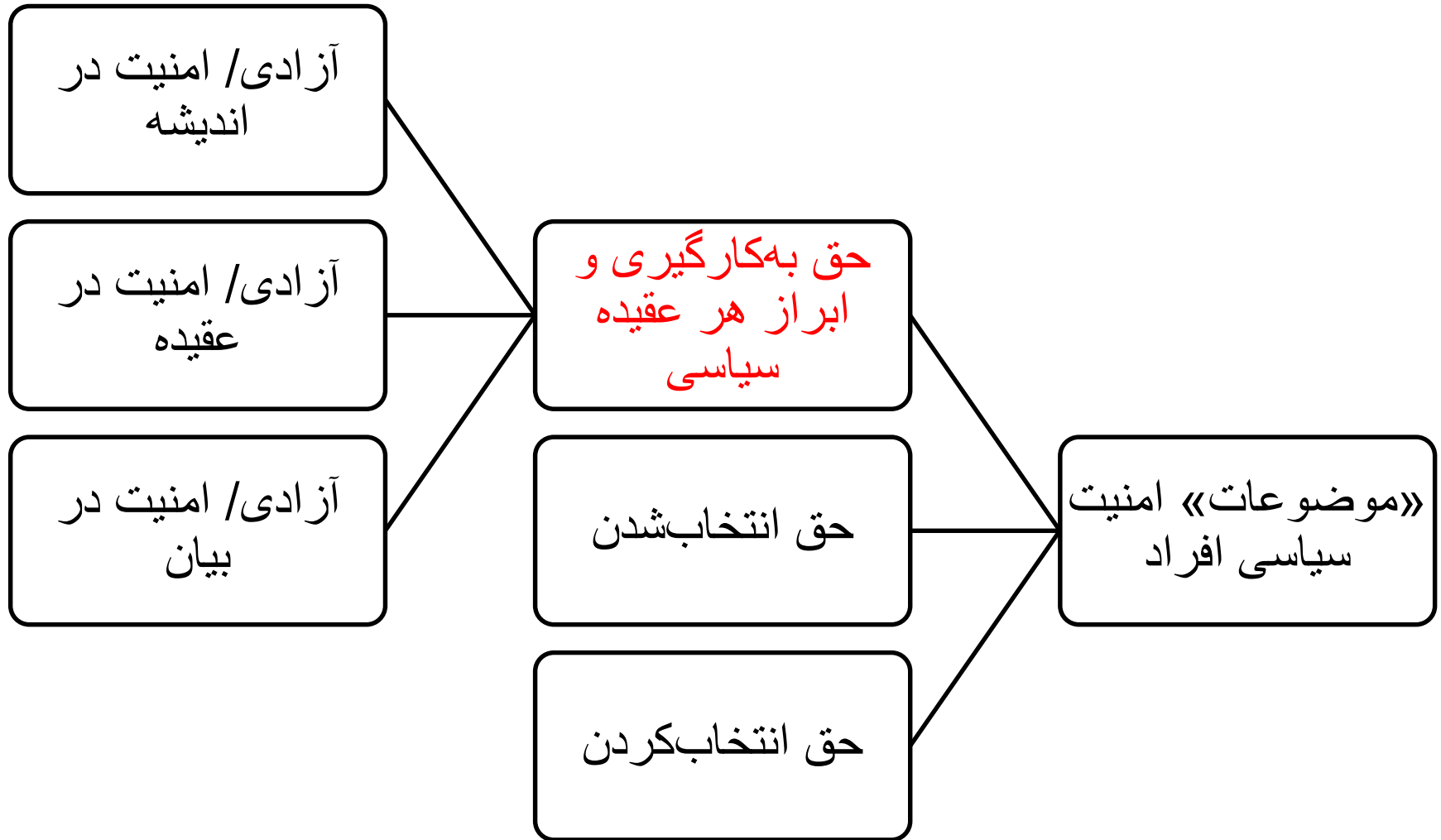
امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه



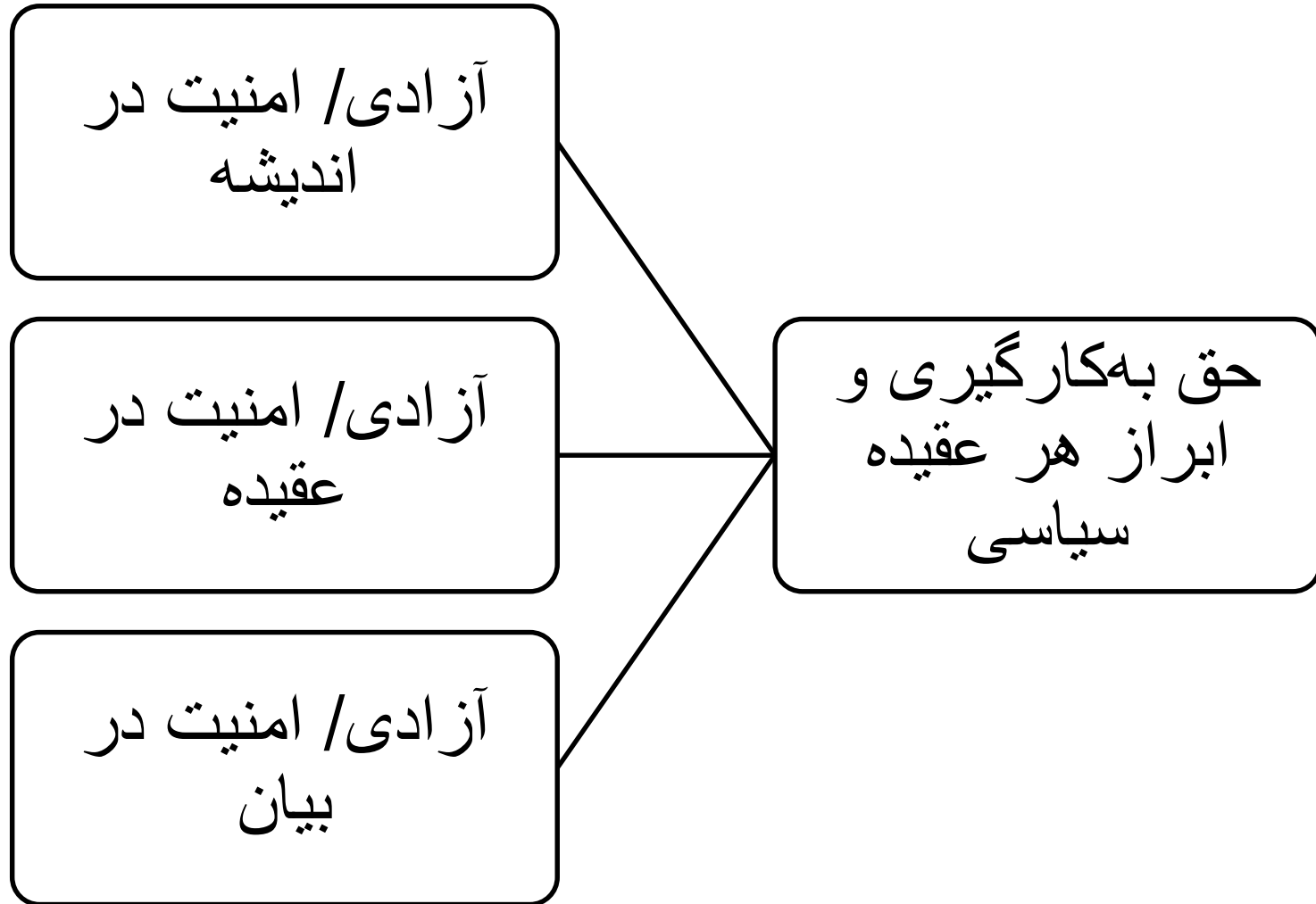
امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه



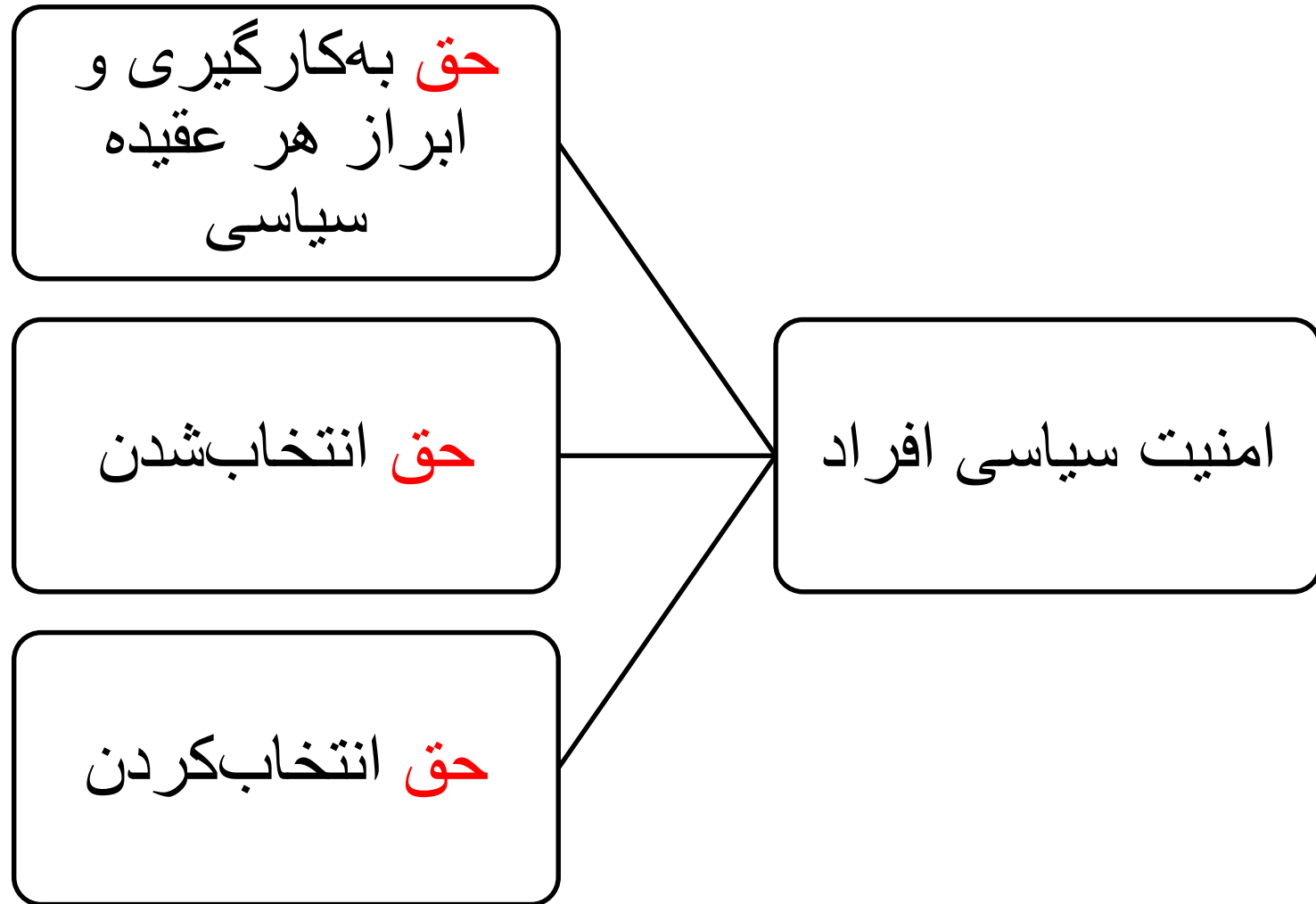
امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه



امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه



امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه



حق یک مبنا است نه یک هدف

• حق یک امر پیشینی است، یعنی پیش از تحقق نظام باید پذیرفته شود. پس یک مبنا است نه یک هدف.

• نظام باید به گونه ای باشد که از این حق صیانت کند، مانند سایر حقوق مردم. این امر به معنای تحقق عدالت است که یک هدف در مکتب سیاسی اسلام است.

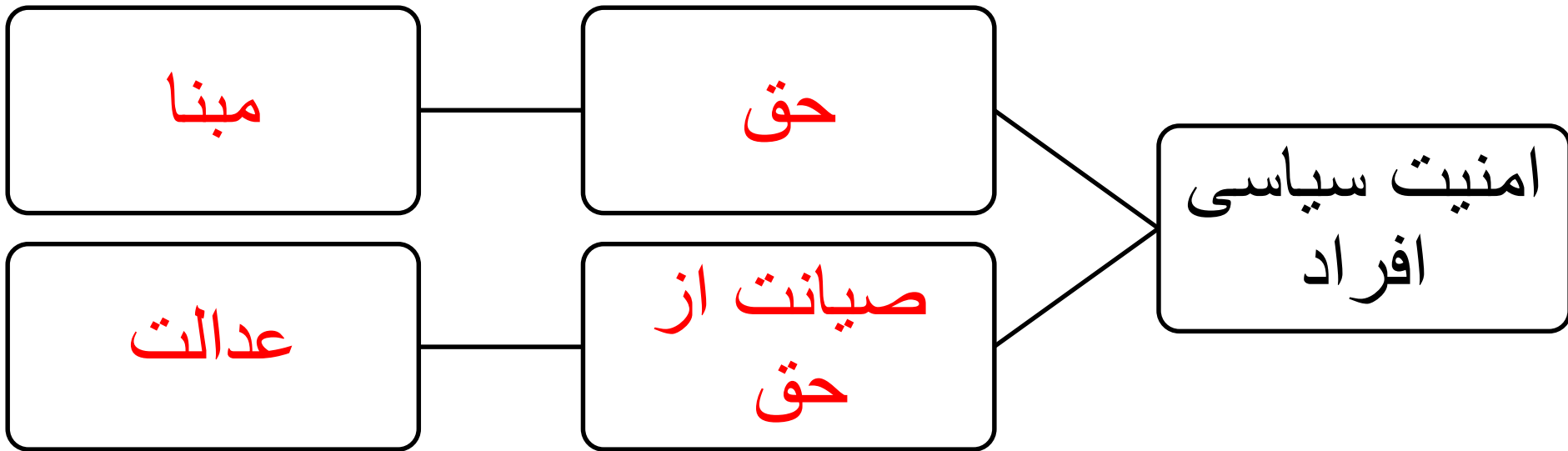
امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

حق

صیانت از
حق

امنیت سیاسی
افراد

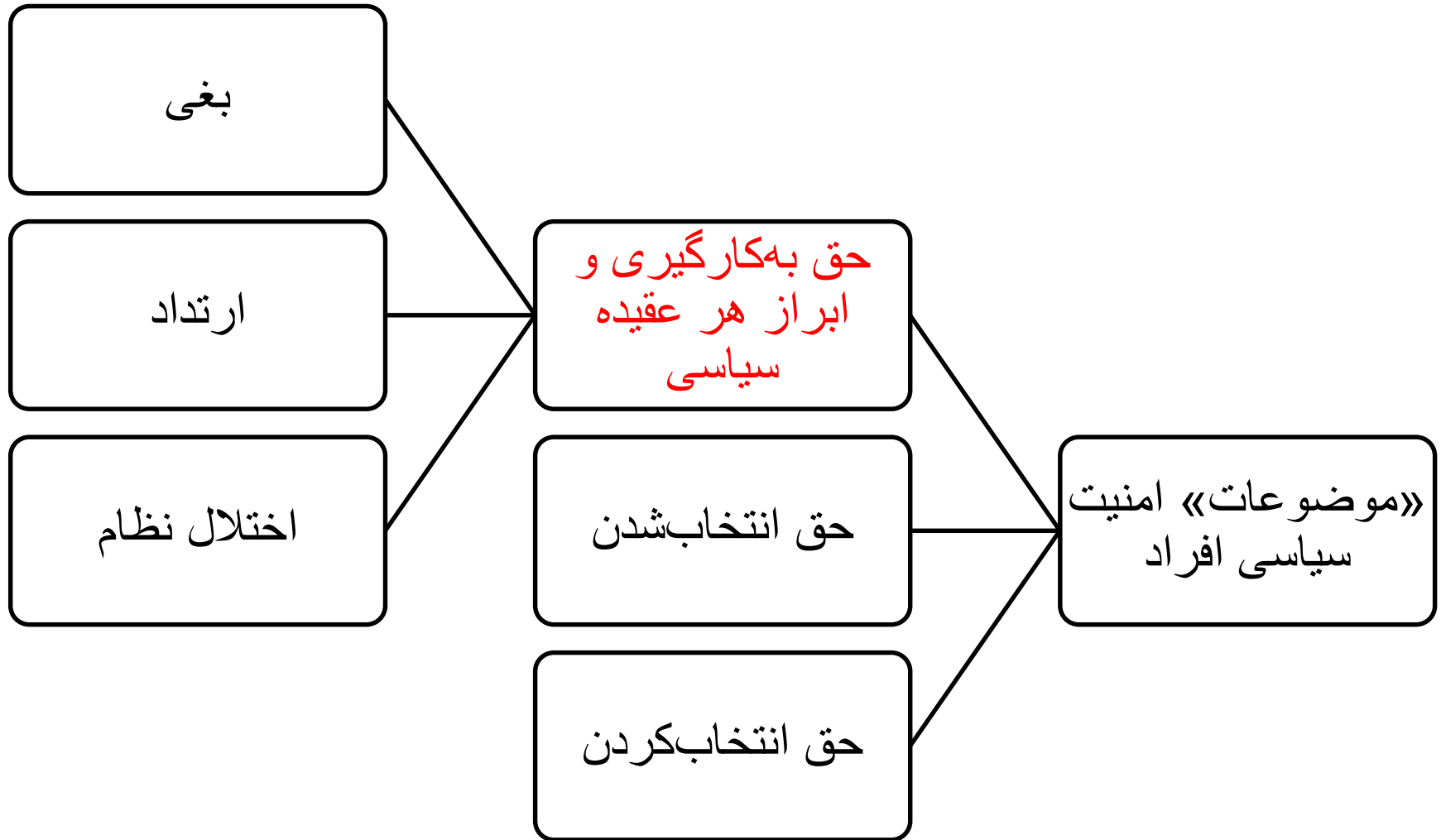
امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه



حق یک مبنا است نه یک هدف

• بنا بر این امنیت سیاسی افراد به
معنای حق به و به معنای صیانت از
حق به هدف عدالت در مکتب
سیاسی اسلام باز می گردد و هدفی
در عرض عدالت نیست.

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه



امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- 4. محدودیت دوم با عنوان «ارتداد»
- همان گونه که بیان شد، یکی از وجوه امنیت / آزادی سیاسی افراد، امنیت در به کارگیری و ابراز عقاید سیاسی است و این امنیت / آزادی فقط در سه مورد تحدید شده، به رسمیت شناخته نشده است.

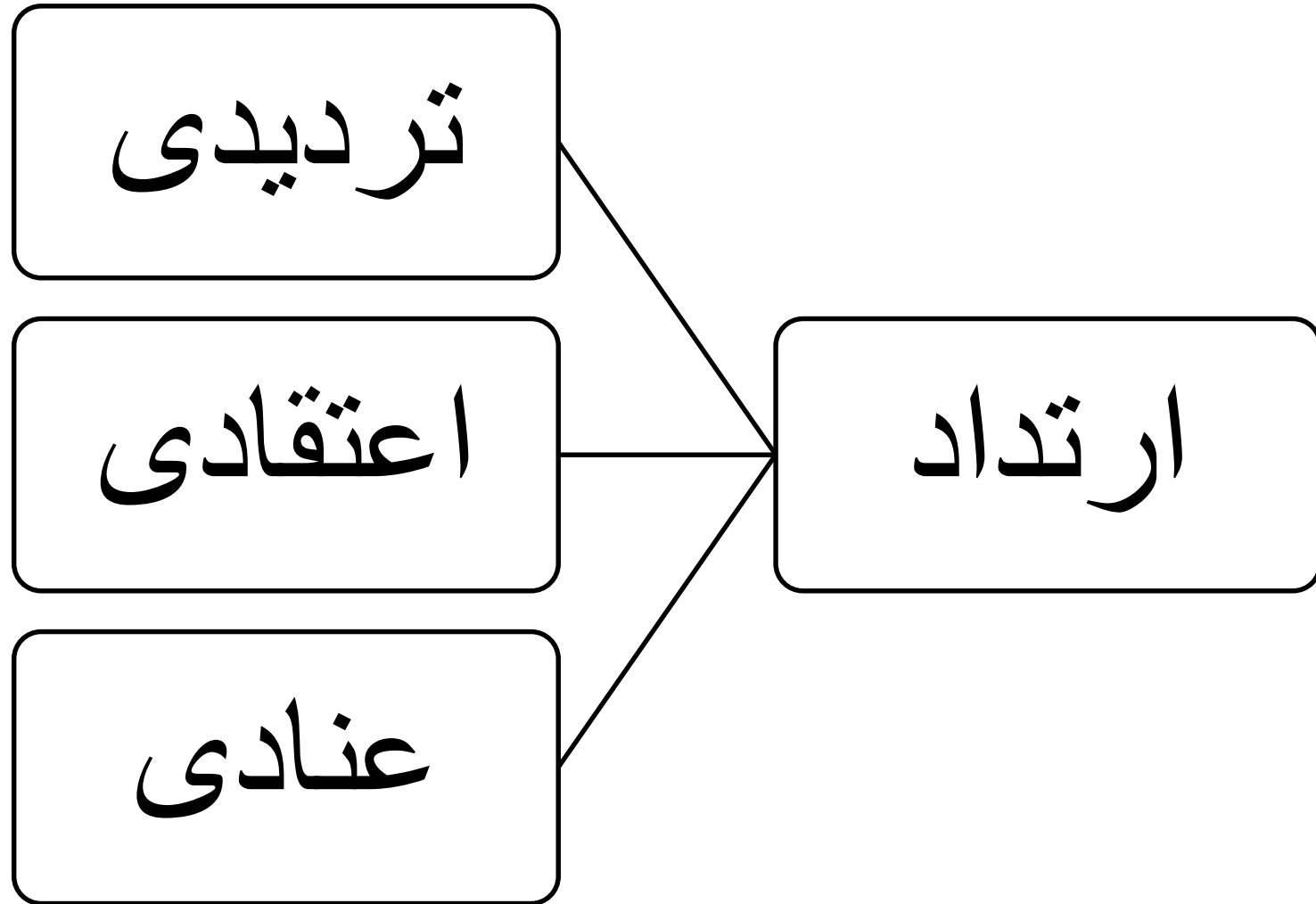
امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- مورد اول در جایی است که فرد یا گروهی، ضمن عدم تعرض به اصل و اساس حکومت اسلامی، صرفاً به مناقشه در شخص حاکم جامعه اسلامی می‌پردازند و وی را شخصی فاقد صلاحیت و مشروعیت برای اداره جامعه اسلامی می‌دانند. در این حالت، چنانچه این افراد بر امام عادل «خروج» کنند و حائز شرایطی باشند، به موجب آموزه «بغی»، دیگر امنیتی نخواهند داشت و با آنها مقابله خواهد شد.

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- اما محدودیت دوم در جایی است که فرد، نه با شخص حاکم جامعه اسلامی، بلکه با مبنا و عنصر معنوی حاکمیت در جامعه اسلامی که همان اسلام است، عناد می‌ورزد و بر خلاف این شالوده می‌اندیشد، عقیده می‌یابد و عقیده خود را ابراز و تبلیغ می‌کند. در چنین مواردی نیز امنیت / آزادی فرد به گونه مطلق مورد پذیرش نیست و با آموزه «ارتداد»، مورد تحدید قرار گرفته است.

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه



امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- با توجه به نظر فقها، برای ارتداد سه معنا قابل تصور می‌باشد: «ارتداد تردیدی»، «ارتداد اعتقادی» و «ارتداد عنادی». در معنای «تردیدی»، فرد به صرف تردید در عقایدش، مرتد تلقی شده است:
- و لافرق من آن تكون الرده بإعتقاد ما یوجب الکفر أو بشکه فیہ (علامه حلی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۸۳).

- و لا فرق بين أن تكون الردة باعتماد ما يوجب الكفر أو بشكك فيه «٢»
- (٢). هكذا في «أ»، و لكن في «ب»: أو بشكك فيما يكفر بالشك فيه.

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- و يتحقق بالبينه عليه ولو في وقت مترقب أو التردد فيه (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۱، ص ۶۰۰).
- ترتب الإرتداد على نقض الإسلام بإنكار أو جحود أو نفاق أو شك أو عناد (كاشف الغطا، ۱۴۲۲، ج ۴، ص ۴۱۷-۴۱۸).

• و حيث كان الإسلام عبارة عن الاعتقاد بمضمون كلمتي الشهادة، و هي: «أشهد أن لا إله إلا الله، و محمداً رسول الله»، أو مع قولهما، و كان مقتضى ذلك الاعتراف بجميع ما جاء به النبي صلى الله عليه و آله و سلم و ثبت عنه ضرورة، ترتب الارتداد على نقض الإسلام بإنكار، أو جحود، أو نفاق، أو شك، أو عناد.

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- در معنای «اعتقادی» چنانچه فرد پس از تردید، قطعاً منکر عقاید اسلامی شود و عقیده دیگری را برگزیند، مرتد محسوب می‌شود

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- و در معنای «عنادی»، فرد در صورتی که از روی عناد و لجاجت، از عقاید اسلامی روی گردان شود، مرتد محسوب می‌شود. پرداختن به محتوا و ادله هر یک از این معانی، مجال مجزایی می‌طلبد (ر.ک: حاج زاده، ۱۳۸۹، ص ۳۴۹-۳۷۱)؛

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- ولی تلقی بسیاری از فقها - به ویژه فقهای معاصر - بر این است که ارتداد فقط زمانی قابل مجازات می باشد که با هدف مقابله با حکومت اسلامی اتفاق بیفتد.

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- براساس این نظر **اولاً**، اگر کسی نسبت به اعتقادات اسلامی فقط دچار تردید شود و این تردید را بازگو نکند و باعث شبهه و تردید برای دیگران نشود، مرتد نیست؛ **ثانیاً**، اگر فرد به طور یقینی از عقاید اسلامی برگردد و عقیده و دین دیگری را برگزیند، چنانچه این امر را به گونه علنی ابراز و تبلیغ نکند، هرچند عنوان مرتد بر او صدق می‌کند؛ ولی مجازات دنیوی ارتداد شامل حال او نمی‌شود.

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- اما اگر فرد در عقاید خود تردید کرد یا جزماً عقیده و دین دیگری را انتخاب نمود و این شبهه و تردید یا عقیده را برای دیگران بازگفت و تبلیغ کرد و بدین وسیله در عقاید دیگران تزلزل و تردید روا داشت،* چنانچه این اقدام او با انگیزه تضعیف حاکمیت اسلام صورت گرفته باشد (عنصر معنوی) یا در عمل، به تزلزل این حاکمیت و مبنای مشروعیت حکومت اسلامی منجر گردد (جرم مطلق)، مستحق مجازات است.

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- آیت الله سید محمد حسن مرعشی در این باره می نویسد:
- اگر پس از اتمام حجت و راهنمایی های لازم، عمداً و عناداً اسلام را نپذیرفت و بر کفر و ارتداد ادامه داد و فردی خطرناک برای اسلام بود، قطعاً لازم است با آنها معامله به مثل کرد و اطلاق احکام مذکور درباره مرتدین، ناظر به این دسته از مرتدین است (مرعشی، ۱۳۷۶، ص ۹۲).

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- آیت‌الله مکارم شیرازی نیز در این باره می‌نویسد:
- گاه ناآگاهانه و بر اثر وسواس مبلغان گمراه یا اشتباهاتی که در مطالعات برای او روی داده، با اسلام وداع می‌گویند و به سوی کفر می‌روند، بی‌آنکه هیچ سوء نیتی داشته باشند. گاهی آگاهانه و از روی عناد و دشمنی با اسلام مخالفت می‌کند... از آنجا که «الحدود تدرأ بالشبهات»، اجرای حدود در مواردی که قطعی نیست، ملغی می‌شود.

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- همین احتمال جمع میان روایات کافی است که اجرای حد اعدام را در مورد مرتدین خالی از سوء نیت به تأخیر اندازیم و آنها را زیر پوشش تبلیغات صحیح اسلامی قرار داده، راه بازگشت منطقی و استدلالی را به روی آنها بگشاییم و اجازه دهیم آنها خود را اصلاح کنند و به آغوش اسلام بازگردند (مکارم شیرازی، ۱۳۶۳، ش ۲۳، ص ۱۶-۱۷).

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- همچنین به تعبیر مرحوم آیت‌الله منتظری:
- کسی که یا در حال تحقیق است یا در اثر ضعف مطالعه، یا القائنات تشکیک‌کنندگان، یا به دلایل دیگر در بعضی اصول یا فروع ضروری دین به شک می‌افتد، بدون داشتن عناد و تعصب و لجاجت مرتد محسوب نمی‌شود ... در مورد ارتداد و نیز سایر گناهانی که موجب حد یا تعزیر است، اگر کوچک‌ترین شبهه‌ای در ثبوت آنها باشد، حد و تعزیر جاری نمی‌شود (منتظری، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۵۲۶-۵۲۷).

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- 3) (iii-1-4. محدودیت سوم با عنوان «حفظ نظام»

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- علاوه بر مواردی که به موجب اقدام بر علیه امنیت حاکم (حاکمیت) اسلامی یا حکومت اسلامی مورد منع قرار گرفته است، برخی موارد دیگر نیز وجود دارند که به دلیل رعایت مصلحت عمومی جامعه و حفظ نظم و امنیت روانی اجتماع، آزادی بیان افراد را محدود می‌سازند که از آن ذیل عنوان «حفظ نظام» یاد می‌شود.

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- * این مفهوم که در کتب فقهی با عنوان «قاعده اختلال» از آن یاد شده است، بدین معناست که هر عملی باعث اختلال در زندگی انسان‌ها و سستی معیشت آنها و جامعه‌شان شود، ممنوع است و هر عملی باعث حفظ این نظام شود نیز واجب و لازم می‌باشد (سیفی مازندرانی، ۱۴۲۵، ج ۱، ص ۱۳)؛

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- بنابراین چنانچه فردی به ابراز عقایدی پردازد که نه مصداق توطئه در جهت براندازی حکومت اسلامی (بغی) و نه مصداق خروج از دین و ارتداد باشد؛ باعث برانگیختن اختلاف‌های اجتماعی و برهم خوردن نظم جامعه و در نتیجه اختلال در معیشت و زندگی روزمره مردم گردد، در چنین مواردی نیز امنیت و آزادی او در ابراز عقیده محدود می‌شود.

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- در کتب فقهی ملاک‌های خاصی برای تشخیص برهم خوردن نظم اجتماعی یا اختلال نظام بیان نشده است. به تعبیر برخی فقها:

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- تشخیص اینکه جامعه دچار هرج و مرج شده و شرایط اضطراری بر آن حاکم است، نباید صرفاً یک تشخیص فردی یا گروهی خاص باشد، بلکه پیدایش هرج و مرج در جامعه، امری روشن است و تمامی آن جامعه یا اکثریت آن، به آن می‌رسند و احراز آن برای آنها که مکلف اصلی و اولی برای ایجاد نظم هستند، کار مشکلی نیست (منتظری، ۱۴۲۹، ص ۵۵).

اختلال نظام

- إذ تكليف العوام للاجتهد في المسائل يقتضى اختلال نظام العالم، و اشتغال كل واحد منهم بالنظر في المسائل عن أمور معاشه.

اختلال نظام

- أقول: الإنسان مدني بالطبع لا يمكنه أن يعيش وحده، لافتقاره في بقاءه إلى مأكله و ملبسه و مسكنه يتوقى فيه الحر و البارد، و لا يمكن استقلال الإنسان بهذه الأمور فافتقر إلى الاجتماع الذي هو مظنة التنازع، و التنازع يوجب اختلال نظام النوع، فاستدعا كمال نظامه و بقاءه على السداد وجود رئيس يقهرهم على الطاعة و يعدهم عليها الثواب و يزرهم عن المعصية و يتوعدهم عليها بالعقاب فوجب اعتبار الامام.

• وفي حال الغيبة (١) ينفذ قضاء الفقيه من علماء الإمامية الجامع

• قوله: «و في حال الغيبة إلخ».

• دليله، كأنه الإجماع، و الاخبار المتقدمة، الدالة على جعله عليه السلام العالم بالأحكام قاضيا و حكما، و ان خلافه لا يجوز، بل (الراد عليه هو الراد على الله، و هو على حد الشرك بالله) «١» و إن لم يكن سندها معتبرا على ما عرفت، ألا ان مضمونها موافق للعقل، و كلامهم و قواعدهم

مجمع الفائدة و البرهان في شرح إرشاد الأذهان؛ ج ١٢، ص: ١٨

المقررة.^{٣٩}

- و يؤيده، انه لو لم يكن، يلزم اختلال نظام العالم، و به أثبت بعض وجوب النبوة و الإمامة، فتأمل.

اختلال نظام

• «وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا كَآفَّةً، فَلَوْ لَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ»

• قوله (وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ)

• (٣) أى ما استقام لهم أن ينفروا كلهم إلى أهل العلم لطلبه، لأن ذلك يوجب اختلال نظام معاشهم فهلاً نفر من كل فرقة كثيرة كقبيلة و أهل بلدة طائفة قليلة ليتفقهوا فى الدين و لينذروا قومهم من مخالفة الرب إذا رجعوا إليهم لعلهم

شرح الكافي (محمد صالح مازندراني)؛ ج ٥، ص: ٣٢٤

• [۲. نیابت فقهاء در عصر غیبت]

• دویم: آنکه از جمله قطعیات مذهب ما - طائفة امامیه - این است که در این عصر غیبت - علی مغیبه السلام - آنچه از ولایات نوعیه را که عدم رضای شارع مقدس به اهمال آن، حتی در این زمینه هم، معلوم باشد، «وظائف حسبیه» نامیده،

- نیابت فقهای عصر غیبت را در آن قدر متیقن و ثابت دانستیم حتی با عدم ثبوت نیابت عامه در جمیع مناصب؛ و چون عدم رضای شارع مقدس به اختلال نظام و ذهاب بیضه اسلام و بلکه اهمیت وظائف راجعه به حفظ و نظم ممالک اسلامیة از تمام امور حسبیه از اوضح قطعیات است، لهذا ثبوت نیابت فقها و نواب عام عصر غیبت در اقامه وظائف مذکوره از قطعیات مذهب خواهد بود.

- مکارم شیرازی: خریدار و فروشنده، در تعیین نرخ کالا آزادند ولی اگر این آزادی در مواردی سبب فساد و اختلال نظام اقتصادی جامعه اسلامی گردد، حاکم شرع در چنین مواردی می‌تواند تعیین نرخ کند و مردم را به آن ملزم سازد.

• و هذا الأصل و هو حفظ سياسة المدن و نظم البلاد و دفع الفساد عن عوائل البشر مورد [اهتمام] الأنبياء و المرسلين و سائر الحكومات، و لا يمكن أن يتمكن أحد في مرامه، إلا بإظهاره أنه يريد تنفيذ هذا الأصل، و يشتهي بناء هذا المقصد، و كانوا من السلف إلى الخلف يتهم كل الآخر بأنه غير لائق لمثله. و إن الناس لا يعيشون في مأمن صحيح، و لا يستريحون راحة طيبة، فوجود النظم البلدى و المملكتى كوجود النظم الفلكى و الآفاقى متلازمان،

اختلال نظام

- فكما أنَّ الباري عزَّ اسمه لمصالح نظام الجمع و الكياني، لا يلاحظ القضايا الشخصية و الفردية، و تفنى ُ مصالح الأفراد حذاء مصالح الجماعة، فينزل من السماء ماء، فينبت من الأرض نباتاً حسناً و إن يتضرر به العقار و البناء، فإنه في قبال ذلك ملحق بالأعدام، كذلك في النظام الجزئي البلدي و المملكتي و الأرضي و الاعتباري، يُراعى ُ ذلك الأصل، و يلاحظ مصالح المجتمع و تفنى ُ المصالح الفردية للعباد

- ، فأمره التكويني و التشريعي على ُ مقياس واحد، و هذا هو المشاهد بالبرهان و الوجدان، و ليس من القياس أو الاستئناس بالاستحسان و الاستذواق، كما لا يخفى ُ على ُ ذى مسكّة، فضلاً عن العاق